

فضول باشی و ترفندهای تبلیغاتی در انتخابات شورا

فضول باشی کمتر به سیاست دل می‌بندد و اکثراً از سیاسیون دوری می‌کند و دوست ندارد در حیطة و حوزه مسئولیت آن‌ها سخنی بگوید و اظهار نظری بکند.

او معتقد است که وقتی به ورزش "یا علی" گفته است باید تا جان دارد در راه قولی که داده ثابت قدم باشد و به این دلیل است که فکر و ذکر و کارش شده ورزش.

وقتی برای من از انتخابات شورا سخن گفت، تعجب کردم و گفتم تو را چه به سیاست؟ آیا فلسفه وجودی شورا را میدانی؟ آیا با وظایف شورا کوچک‌ترین آشنایی داری؟ سرِ کارمان نگذار، برو به فکر سوژه‌های جدید در ورزش استان باشد و کار شورا و شورائیان را به اهلش بسپار.

فضول باشی نگاه تندی به من کرد و گفت: چرا ناراحتی؟ گناه که نمی‌کنم. یک بار هم شده می‌خواهم در مورد کاندیداهای شورای شهر حرف بزنم. چنین بکنم جرمی مرتکب می‌شوم؟ وقتی همه شهر در ارتباط با ورزش اظهار نظر می‌کنند و خود را در این عرصه کارشناس می‌دانند و مدام در حوزه تخصصی ما دخالت کرده و یکه تازی می‌کنند ما نمی‌توانیم برای آن‌ها یکی دو کلمه سخن بگوییم؟

گفتم: چرا جوش می‌آوری؟ با زبان روزه برای تو عصبانی شدن خوب نیست. حوصله داشته باش. راست می‌گویی به عنوان یک شهروند که می‌خواهد در پایان خرداد ماه در پای صندوق‌های رأی حاضر بشود، حق داری نظرت را بگویی، ما سرا پا گوش هستیم هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو.

گفت: خدا را شکر، خوشحالم که تأییدم کردی، کاش من هم کاندیدا می‌شدم، می‌توانستم نظر خیلی‌ها چون تو را جلب بکنم ولی چه کنم، بسوزه پدر بی‌پولی که ما را نقره داغ کرد و افسرده نمود.

به او گفتم قرار نشد ناله سر بدهی و از بد روزگار ناله بکنی. بگو چرا به شورا و کاندیداهای آن حساس شده‌ای. خیالت راحت، از قدیم گفته‌اند: هر کسی را بهر کاری ساخته‌اند. اگر تو یکی برای شورا

انتخاب بشوی توان و عرضه اداره امور را نخواهی داشت. بچسب به شغل خودت و راهی را که در پیش گرفته‌ای ادامه بده.

فضول باشی گفت: ارواح همشیره ابوی محترمتان، این سیاست شماست که می‌خواهید من را در یک چارچوب محدود بکنید و از دیگر نعمت‌های موجود در جامعه محروم نمایید. گوش کن بگویم تا ببینی چه کارهایی که در دنیای انتخابات اتفاق نمی‌افتد.

دست‌هایش را محکم به هم کوبید و ادامه داد: این روزها بازار کانال‌های فعال در عرصه انتخابات شورا غوغا می‌کنند. هر کسی که صبح زود از خواب بیدار می‌شود کانالی را راه اندازی کرده و رو به سوی ستاد نامزدها می‌گذارد. از خود و کانال و هوادارانش قصیده‌ها می‌خواند و تعریف‌ها می‌کند و در نهایت نظر آن‌ها را برای عقد قرارداد و پرداخت مبلغ قابل توجه برای تبلیغ جلب می‌کند. عکس‌های رنگی در کنار متن‌های کیلویی منتشر می‌کند و از تأثیرگذاری در روند انتخابات سخن‌ها می‌گوید.

به او گفتم: مگر چیز جدیدی کشف کرده‌ای آقای نابغه! این چنین روشی از سال‌ها قبل مرسوم بوده و آدم‌های ضعیف و بدون پایگاه اجتماعی و علاقه‌مند به مطرح شدن از این کارها زیاد انجام می‌دهند.

گفت: عجله نکن، بقیه‌اش جالبه، همین‌ها که برای تبلیغ از کاندیداها کارتهای هدیه گرفته‌اند به راه اندازی کانال‌های جعلی نیز اقدام می‌کنند و همان نامزدها را مورد انتقاد قرار داده و میهمان حملات شدیدی می‌کنند.

گفتم: جانِ من این چه حرفیه که می‌زنی، چرا باید بر علیه نامزدی که ارزش هدیه گرفته‌اند، اقدام بکنند؟

فضول باشی خنده تلخی کرد و گفت: خوب این حرفم را گوش کن. وقتی به زیارت نامزد می‌روند تنها راه خنثی کردن حملات کانال‌های ناشناس را پرداختن بیشتر و تعریف و تمجید در کانال خود می‌دانند و شرط آن را شل کردن سر کیسه توسط کاندیدا تلقی می‌کنند. یعنی آن‌ها هم "از توبره می‌خورند و هم از آخر".

وی ادامه داد: آیا زجر آور نیست که با این ترفندها و پول‌های بی‌حساب خرج کردن‌ها و ریخت و پاش‌ها می‌خواهند بروند شورا و آنگاه به مردم خدمت بکنند؟ باورش خیلی سخت است و شنیدن چنین روایاتی سخت‌تر و طاقت فرساتر.

به او گفتم: فضول باشی، به این قبیل قضایای ورود نکن. در این کارها به جز کاندیداهایی که به این ذلتها تن میدهند کس دیگری مقصر نیست. به تو چه ربطی دارد. دارندگی و برازندگی، پول دارند، خوب هم دارند و میخواهند خرج بکنند. تو چرا دل درد میگیری. زبانت را گاز بگیر و به پر و بال کانالها مپیچ. خودت که التفات داری، زبان سر سبز می دهد به باد. احتیاط کن.

گر جانت به کار است نگهدار زبان را

جانست و زبان است و زبان دشمن جان است